



اعتصابات کارگری و

چشم انداز آن

طی ماه های اخیر اعتصابات کارگری از محدوده شرکتهای بحران زده ای نظیر نیشکر هفت تپه که برغم بیش از هفتاد روز اعتصاب و راهپیمائی هنوز از دریافت حقوقهای به تعویق افتاده نیز بازمانده اند، گذشته است و اینک کارگران تعدادی از پیمانکاریهای نفت و پتروشیمی نیز دست به اعتصاب زده اند. این اعتصابات از 11 مرداد شروع شده است و برغم افت وخیز هنوز ادامه دارد. در این رشته از اعتصابات و اعتراضات، کارگران پیمانکاری بیش از 55 مرکز و شرکت های وابسته به نفت و پتروشیمی در 12 استان و 23 شهر شرکت دارند. این اعتصابات هرچند که بلحاظ تعداد، گسترده ترین اعتصاب همزمان بخشهایی از کارگران پیمانکار نفت و پتروشیمی محسوب میشود، اما نخستین اعتصاب بهم پیوسته کارگرانی نیست که دارای سرنوشتی یکسان و مشکلات مشابهی هستند. بعنوان مثال شش سال قبل نیز « کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه، گروهی از کارگران شرکت نفت و پتروشیمی در خوزستان، کارگران مجتمع صنایع فولاد ، کارگران لوله سازی و کارگران پالایشگاه آبادان » فراخوان اعتصاب متحدی را دادند که از روز اول بهمن ماه 1393 شروع میشد.

ادامه در صفحه ۲

خشونت جنسی در رژیم اسلامی

اند. برخی موضوع تسویه حساب شخصی و یا جلب توجه عمومی را در ارتباط با قربانیان بمیان آورده اند. اگر در جامعه ای مثل آمریکا که معضل تابو و قضاوتهای اخلاقی در این موارد تعیین کننده نبوده هنوز کسانی پیدا شدند که صحت ادعای اولین زنان شاکی را مورد سؤال قرار دهند در کشوری چون ایران که جای خود دارد بی اعتبار کردن این زنان میتواند تبعات منفی ای از لحاظ جزایی در پروسه داخواهی آنان بجای بگذارد.

ادامه در صفحه ۴

یکی از ترندهای اخیر توئیتر هشتگ "تجاوز" و "آزار جنسی" پرده از تعرض سازمان یافته فردی بنام "کیوان امام" و همینطور تجاوز افرادی چون آیدین آغداشلو برمیدارد. زنان دیگری هم در ارتباط با متجاوزین دیگری به این کمپین پیوسته و جنایات دیگری را افشاگری کرده اند. این ماجرا شباهت بسیاری به تجاوزهای هاروی واین استاین دارد و نشان میدهد هنوز کسانی هستند که از ترس و تردید این قربانیان از اینکه چرا همان موقع زبان به اعتراض نگشوده اند، محملی برای در رفتن این متجاوزین درست کرده

تداوم مبارزه و مقابله با تشدید سرکوب و اعدام

زندانیان سیاسی ضروریست

ادامه در صفحه ۲

درباره جهتمندی خرد

آنچه را که ذیلاً مینویسم مطلب بالنسبه "دریافتن و پی بردن" به امور مربوطه از کوتاهی است درباره این حقیقت که عقل طریق استدلال کردن یا بعبارت دیگر فکر خود نیز خنثی نیست، برصرف استدلال کردن به شیوه منطقی هست. بدین معنا که منطقی دلالت نمی نماید بلکه دارای سمت و شخص با تفکر به شیوه منطقی پی می برد سو و جهتگیری انسانی و اجتماعی و لذا یا درمیابد آنچه را که برایش بمصلحت و ایدئولوژیک است. بایستی نیز متذکر گردم صحیح است. پس خرد بر تفکر منطقی تنها که این مطلب را میتوان بعنوان تکمیل بخشی از موضوعاتی دانست که میتوانسته شخص بمصلحت و درست است دلالت در کتاب من تحت عنوان "مبانی روانشناسی مینماید.

ادامه در صفحه ۲

خرد در وهله نخست بمعنای توانایی ذهنی

تشدید بحران اقتصادی و ضرورت همبستگی کارگران

صفحه ۶

اعتصابات کارگری و چشم انداز آن

شهرداریها، وسایر دستگاه های دولتی و یا موسسات وابسته به آنها ویا بنگاه هائی اقتصادی هستند که در چهارچوب " قانون اجرایی سیاستهای کلی اصل 44 قانون اساسی" توسط سازمان خصوصی سازی به بخش خصوصی و یا "خصوصیتی" به ثمن بخش واگذار شده اند. شرکتهائی نظیر نیشکر هفت تپه، هپکوی اراک، ماشین سازیها، صنایع فولاد، تراکتورسازی، آذراب، کارخانه های مختلف قند و شکر، نیروی کار شرکتهای پیمانکاری شهرداریها و ادارات را میتوان نام برد که به یمن سرنیزه و سرکوب علاوه بر تصاحب ثروت عمومی و تشدید استثماری کارگران با تاخیر چندین ماه در پرداخت



حقوق ها میلیاردها تومان از کار انداختن این مبالغ هنگفت سود میبرند و در واقع نه تنها شیره جان کارگران را میمکند بلکه آنها را از قوت لایموت نیز بی بهره میسازند. نزدیک به 15 درصد کارگران ایران با تعویق پرداخت دستمزدها مواجه اند. این درحالی است که رژیم و مسئولان مربوطه نیز بی توجه به مبارزات و راهپیمائیها و اعتراضات کارگران آنها را فعلا بحال خود رها کرده است تا بعد از فرسایش و بی نتیجه ماندن اعتراضات از طریق وعده و وعید و سرکوب و فریب میان آنها تفرقه افکننده و مانع از اتحاد و تداوم مبارزه کارگران گردد.

تردیدی نیست که ورود کارگران کارخانه ها و مراکز صنعتی فوق بویژه کارگران پیمانکاریهای شرکتهای نفت و پتروشیمی به اعتصابی متحد و همبسته، حول مطالبات و خواست های عمومی کارگران، در هنگامیکه کارگران نیشکر هفت تپه بیش از شصت روز در اعتصاب بصری برند، اقدام مهم و یک پیشروی برای مبارزات طبقه کارگر ایران محسوب میگردد که باید مورد پشتیبانی همه کارگران ویا لاقلاً از پشتیبانی کارگران رسمی نفت و پتروشیمی برخوردار شوند، در این صورت است که میتوان به خروج جنبش کارگری از دایره پراکندگی و بن بست حاضر امیدوار بود.

اعتصابات در بخش های نفت، گاز و پتروشیمی شروع شده است. این حرکتها نیز اگر نتواند به ضعف های قبلی خود فائق آید و بویژه اگر تنها در سطح خواست های صنفی بماند، با سیاست همیشگی سرمایه داران و رژیم، یعنی فرسایش و سرکوب روبهرو خواهند شد.

فراموش نباید کرد که سالهای متمادی است کارگران مراکز صنعتی و خدماتی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و دسمزد ماهانه خود با مراجعات مکرر به اداره کار و مراجع و مقامات حکومتی و با بی نتیجه ماندن این مراجعات بناگزییر با اعتصاب و راهپیمائی در خیابانها و مقابل اداره کار، مجلس ارتجاع و فرمانداری و استانداری و... بی نتیجه بازگشته اند و یا با پرداختهای موقت و وعده و وعید روانه خانه هایشان شده اند و عده زیادی از کارگران نیز از فرط ناامیدی برای تحقق خواست هایشان برای امرارمعاش به مشاغل دیگری روی آورده اند.

عمده این کارگران را کارگران شرکتهای پیمانکاری تشکیل میدهند شرکتهائیکه بموازات اعمال سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی و خصوصی سازیها در پهنه اجتماع سبز شدند و کارشان بطور عمده اجاره دادن نیروی کار به پروژه ها و شرکتهای صنعتی، تجاری و خدماتی است بیشتر این شرکت ها پیمانکاران

ادامه از صفحه اول
... در این فراخوان نیز همچون فراخوان اخیر از تمامی کارگران ایران و بخصوص کارگران شرکت نفت دعوت شده بود که در اول بهمن برای کسب مطالبات کارگری، مانند «آزادی همه کارگران زندانی، ایجاد تشکل و فعال شدن سندیکا های کارگری و باز پرداخت تمام حقوق و مطالبات عقب افتاده و لغو خصوصی سازیها...» دست به اعتصاب سراسری و نامحدود بزنند.

با وجود اینکه در این مقطع ده ها کارخانه و مراکز کارگری دارای مطالبات مشابهی بودند و در اعتراض به ممنوعیت حق تشکل مستقل، اخراج های دسته جمعی، تعویق پرداخت حقوق و دستمزدهای عقب افتاده، نبود امنیت شغلی، فقدان ایمنی محیط کار، پائین بودن حداقل دستمزد ها، افزایش سرسام آور قیمت مایحتاج عمومی، فساد گسترده و رانت خواری مقامات دولتی و صاحبان سرمایه و ثروت و سرکوب و زندانی کردن کارگران، در اعتصاب، تجمع و تظاهرات هر روزه به سر میبردند. اما متأسفانه این اعتصابات هم برغم گستردگی خود نتوانست وحدت و هماهنگی لازم میان بخشهای مختلف کارگران را تامین و اعتصابات و اعتراضات را تا رسیدن به مطالبات مطروحه تداوم بخشند. اکنون نیز که بموازات تداوم اعتصابات و تظاهرات و تجمعات کارگران هفت تپه موج جدیدی از

تداوم مبارزه و مقابله با تشدید سرکوب و اعدام

زندانیان سیاسی ضروریست

کارگران وزحمتکشان!

ایرانیان آگاه و مبارز داخل و خارج از کشور!

ما در فراخوان هفتم تیرماه برای مقابله با تشدید سرکوب و اعدام زندانیان سیاسی، هشدار دادیم که طبق اطلاعات موثق "رژیم علاوه بر کشتارهای مخفیانه تاکنون، صدور احکام اعدامها و زندانهای طویل المدت بسیاری را در دستور دارد." در این فاصله هرچند که در نتیجه اعتراضات گسترده، احکام صادره برای چند تن از دستگیرشدگان آبانماه نود هشت، متوقف شده است. اما همچنان شاهد صدور احکام زندانهای طویل المدت و اعدام در بیدادگاه های رژیم هستیم.

ضروری است همچنان به اعتراضات خود علیه زندان و اعدام ادامه دهیم

و اقدامات انسان ستیزانه رژیم را در سطح داخلی و بین المللی افشا کنیم. از احزاب، سازمانها و تشکلهای کارگری، از سازمانها و محافل مدافع آزادیهای سیاسی و مخالف اعدام و زندان و شکنجه، بخواهیم تا نسبت به اقدامات سرکوبگرانه رژیم و دستگیری و زندان و شکنجه و کشتار در ایران اعتراض کنند و خواستار آزادی زندانیان سیاسی بشوند. در ایران افکار عمومی محل کار و زندگی خود را از آنچه بر سر طبقه کارگر، آزادیخواهان و مخالفین حکومت می آید، آگاه کرده و اعتراضات آنها را نسبت به اقدامات سرکوبگرانه رژیم سازمان دهیم. ما از تمامی فراخوانهای اعتراضی جریانات و انسانهای آزادیخواه و انقلابی حمایت کرده و در آنها شرکت میکنیم. ضروریست هر جا که هستیم در این اعتراضات شرکت نموده و سهم خود را در حمایت از زندانیان سیاسی و فعالین جنبشهای اجتماعی ادا کنیم.

زندانی سیاسی آزادیاید گردد

زندان، شکنجه، اعدام، نابودباید گردد

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

مردادماه 1399

اما اشتباه و بدتر از آن خیالپردازی است که اگر فکر بکنیم در شرایط توازن قوای موجود بین سرمایه داران دولت و کارگران رسیدن به چنین هدفی بصورت خودبخودی و بدون حضور سازمانیافته پیشاهنگ طبقه کارگر محقق خواهد شد. طبقه کارگر تنها با اتکاء به نیروی متحد و سازمانیافته خود که در تشکلهای سیاسی و صنفی متبلور میشود، میتواند از عهده معضلات کنونی برآمده با نیرومند شدن صف کارگران در مقابل سرمایه داران دولت چشم انداز نوینی را در عرصه مبارزات خود بگشاید.

اما در این میان پیشاهنگ طبقه کارگر و رهبران عملی مراکز کارگری که هم اکنون در حال اعتصاب و اعتراض هستند میباید شناخت دقیقی از علل بحران مراکز کار خود، دولت و کارفرماها و در نهایت کل وضعیت جامعه و موقعیت طبقه کارگر بدست آورند تا بتوانند خواست ها و مطالبات کارگران معترض و اعتصابی را بمتابیه اهداف اعتصابات طرح و از طریق سازماندهی و ایجاد رهبری مشترک کارگران بیشتری را به صفوف مبارزات جلب کنند و با تضمین تداوم اعتصابات و اعتراضات، مبارزات تدافعی را به مبارزات تعرضی ارتقا داده و چشم انداز نوینی را در مبارزات کارگران ایران بگشایند.

به کانال تلگرام ما بپیوندید

[@fedayi1349](https://t.me/fedayi1349)

آخرین اخبار و گزارشات
مقالات، اطلاعاتی ها و
نشریات سازمان اتحاد
فداییان کمونیست را از
کانال فدائی در تلگرام
دریافت کنید.

<https://t.me/fedayi1349>



خشونت جنسی در رژیم اسلامی

نوشین شفاهی

ادامه از صفحه اول

...زنان ایران حق دارند با هر کسی که مایلند رفت و آمد کنند و در هر حدی که بخواهند با کسی رابطه داشته باشند و این موضوع نمیتواند توجیهی برای تجاوز و استفاده جنسی از آنان باشد. از اینکه این زنان با پای خود به خانه این متجاوزین رفته و یا چرا تا قبل از این سکوت کرده بودند فقط و فقط مبین عدم حس امنیت و گواه بی اعتباری ادعای مقامات در حمایت از زنان و حقوق آنها است نه بر عکس.

در رژیم اسلامی ایران این زنان و کودکان بودند که اولین قربانیان قوانین شریعه شدند. و هنوز بعد از ۴۲ سال، در واقعیت امر، هیچ قانونی بطور جدی برای حمایت از قربانیان خشونت جنسی و تعرض به زنان و کودکان وجود ندارد. جمهوری اسلامی مجازات مرگ برای متجاوزین جنسی را در قوانین اش دارد در حالیکه که قوانین تعرض جنسی به زنان و کودکان رسماً تحت حمایت قانون شریعه نهادینه و توسط عوامل خودش اجرا میگردد. ازدواجهای اجباری، صیغه، و خرید و فروش زنان و کودکان دختر در فرهنگ و قوانین شریعه رسماً و وسیعاً تشویق و ترویج میشود. تجاوز و تعرض جنسی بویژه در ارتباط با کودکان هم دختر و هم پسر بخشی از اخبار همیشگی شده است و

کودکان بسیاری هنوز از تعرض امثال سعید طوسی ها در امان نبوده و این افراد فاسد و خطرناک هنوز آزادانه میتوانند با کودکان تماس داشته و با فراغت خیال در پناه قوانین ضد انسانی رژیم قربانیان بیشتری بگیرند.

رژیم اسلامی ایران هرگز تعریف روشن و واضحی از تجاوز و خشونت جنسی نه در قوانین رسمی اش بدست میدهد و نه اساساً این جرائم را بر اساس تعریف جهان امروز و کنوانسیون حقوق بشر برسمیت می شناسد. چرا که در غیر اینصورت، باید به انکار یکی از پایه های اصلی و کلیدی قوانین شریعه اش برخیزد. به عبارتی دیگر، عملاً نه تنها موانع فرهنگی، قانونی و اجرایی را برای محافظت از زنان و کودکان برطرف و متوقف نکرده و متجاوزین بسیاری را تحت پیگرد قانونی قرار نداده بلکه شرایط اعمال این خشونتها را تسهیل و شدت بخشیده است. در قاموس اخلاق اسلامی، حفظ و اشاعه زن ستیزی و کودک آزاری معرفت تعریف شده و ثواب دارد و در عین حال با بیشرمی تمام تقصیر را هم بگردن زنانی می اندازند که بموقع به مراجع ذی صلاح مراجعه نکرده اند.

رژیم اسلامی مشوق این ستمهای جنسی بوده و کیوان امام ها ثمره و میوه های سمی مغز شویی فرهنگی این رژیم در ۴۲

سال گذشته هستند. جمهوری اسلامی نه قادر است به داد قربانیان این تجاوزها برسد و نه تحمل اعتراضات و مبارزات مدافعین حقوق زنان را دارد. کارنامه زن ستیز رژیم اسلامی اثبات این واقعیت است که فضا برای اعمال این جنایات، تحت برکات اسلامی بسیار مساعدتر گشته است بطور مثال:

-تشدید آسیب پذیری زنان و کودکان در فرهنگ مردسالار ایران با اعمال قوانین سنن شریعه :

خشونت و تعرض جنسی به یمن همین قوانین، به ضرب زور، و سرکوب سیستماتیک نرمالیزه شده و به بخش قابل انتظار زندگی زنان تبدیل گشته است.

- بازداشت و زندانی کردن فعالین حقوق زنان:

یکی از اصلی ترین دغدغه های رژیم، خفه کردن صدای مدافعین و فعالین جنبش زنان بوده و از هیچ کوششی برای محو مبارزات و اعتراضات علیه این بیحقوقیها دریغ نکرده است. ایجاد نهادها و ارگانهای عریض و طویل اش صرفاً بهمین دلیل بوده و سرکوب و آزار و اذیت مستمر این فعالین وظیفه و مسئولیت اصلی آنان را تشکیل میدهد.

-بازداشت و تهدید افراد خانواده و بستگان مدافعین حقوق زنان:

خانواده های فعالین تحت فشار دائمی برای همکاری با رژیم هستند و در صورت مقاومت خود آنان را بازداشت و یا تهدید به دستگیری میکنند. رژیم تلاش میکند که این خانواده ها را به ابزارهای سرکوب در خانه و در حیطة خصوصی و خانوادگی این زنان تبدیل کند.

بنابراین نمونه های اخیر نه بی سابقه بوده اند و نه پنهان. وجه متفاوت این کمپین شکستن تابوهای فرهنگی و اخلاقی توسط این زنان است که با افشای این جنایات جنبش زنان را در ارتباط با حق طلبی اش بجلو رانده اند.

کارنامه رژیم پُر است از این رنج و درد و فریادهای خاموش و یا پُر توان زنان و کودکان. در سالهای پیش از سوشیال میڈیا، مردان متجاوز بسیاری با حمایت قوانین جنایی و قضایی رژیم اسلامی از چنگال عدالت گریختند و ناموس پرستی پلاتفرمی برای قتلها و خشونت‌های بسیاری علیه زنان و کودکان گشت. بهمین منوال، تابوهای اجتماعی، فرهنگی، و اخلاقی در جامعه مردسالار ایران باعث شد که بسیاری از این زنان و کودکان به قربانیانی خاموش تبدیل شوند. کمترین عواقب افشاگری و پیگیری قانونی برای متجاوزین، مطرود شدن و آسیبهای روانی را برای قربانیان در پی داشته است. در بسیاری موارد برای فرار از قضاوت‌های اخلاقی و رهایی از تاثیرات مخرب روانی، بسیاری از این قربانیان تنها گزینه را در خود سوزی و خودکشی دیده اند و آمار هولناک خودسوزیهای زنان در ایران گواه این واقعیت دهشتبار است. در مواردی هم که این قربانیان این جنایات را علنی کرده و یا برای دفاع از خود، متجاوز را بسزای اعمالشان رسانده اند، رژیم اسلامی خود

این قربانیان را در جایگاه مجرم محاکمه کرده و بقتل رسانده است. مورد ریحانه جباری و حسین اسماعیل پور نمونه های انگشت شماری از جنایات بسیار گسترده و خشونت رسمی و مستمر رژیم اسلامی علیه این قربانیان خشونت جنسی هستند.

فرهنگ چندی آور زن ستیز رژیم اسلامی ایران با استفاده از باورهای کهنه و دیرپای مردسالاری و کدهای اخلاقی ای که بر بنای ستمگری جنسیتی پایه گذاری شده است، دایره خشونت جنسی را بسیار وسیعتر کرده است و طبق همین باورها خود زنان را موضوع درگیریهای اخلاقی و خودزنی کرده است. بطوریکه این کمپین اخیر فقط نوک کوه عظیم یخی است که بخش اعظمش هنوز نمانده و این حرکت اخیر میتواند به ابعاد تاریک و گسترده این جنایات فرصت رو شدن بدهد.

ما از این کمپینها حمایت کرده و زنان را در افشاگری و پیگیری این جنایات تشویق میکنیم. در عین حال میگوییم که در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی دادخواهی برای قربانیان هرگز محلی از اعراب نداشته و ارزشهای انسانی هر روزه و مادام از طرف خود مجریان قانون انکار و لگد مال میشوند. بند ناف این رژیم با خشونت و جنایت بویژه علیه زنان و کودکان بریده شده و این جهنم واقعی فقط و فقط در گرو بزیر کشیدن این هیولای خون آشام است و بس. این اولین و مهمترین گام جهت پایان دادن به خشونت جنسی و امحاء بیحقوقی زنان و کودکان ایران است.

نوشین شفاهی

28/8/2020

با شکست انقلاب توده ای 1357 و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی، یکی از ارتجاعی ترین روبنای سیاسی نظام سرمایه داری در تلیق با مذهب، حاکم به مقدرات مردم گردید. رژیم جمهوری اسلامی از همان اول آشکارا با آزادی، مدنیت و دموکراسی به دشمنی برخاست و نزدیک به بیست سال سیاست، سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و نفی ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی، تبعیض و آپارتاید جنسی را برنامه خود کرد.

در ایران اقلیتی محدود از جامعه، یعنی سرمایه داران با فراغ بال به تشدید استثمار، احتکار، زدوبند با مقامات دولتی و اختلاص به ثروت خود افزودند. از سوی دیگر اکثریت عظیم مردم در محرومیت بسر برده و خواست آنها برای آزادی و عدالت اجتماعی و برابری با سرکوب نیروهای دولتی مواجه شده است.

تسلط بلامنازع طبقه سرمایه دار بر تمامی وسایل و امکانات تولیدی و مبادله، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک و نظامی، مانع بزرگ دخالت مستمر و آزادانه توده های عظیم کارگر و زحمتکش و سازندگی واقعی جامعه بر سرنوشت خویش است. هر کارگر و زحمتکش ایران در زندگی روزمره خود وقتی ناگزیر می گردد از حقوق و سطح معیشت خود در مقابل تعرض مداوم استثمارگران دفاع کند، به آشکارترین وجهی خود را در مقابل دستگاه جبر و ستم و سرکوبی میابد که به ایدئولوژی اسلامی نیز ملبس شده است و در میابد که در نظام سرمایه داری ایران، دستگاه دولت و تمام ضامن آن ارگان سیادت و عامل بقا و بازتولید نظم موجودند.

”از برنامه سازمان اتحاد فدائیان

کمونیست”

تشدید بحران اقتصادی و ضرورت همبستگی کارگران

تشدید بحران اقتصادی و فسادگسترده صاحبان قدرت و ثروت و افزایش قیمت مایحتاج عمومی، فشار اقتصادی بر کارگران و بخش وسیعی از حقوق بگیران جزء را افزایش داده است. هر روز بخشی از صنایع و مراکز تولیدی با بحران و توقف تولید مواجه میشوند. دولت و کارفرماها اولین کاری که میکنند، پرداخت نکردن حقوق کارگران و اجرای سیاست اخراجهای دسته جمعی است و علاوه بر آن، از انجام سایر تعهدات خود در برابر نیروی کار نیز سرباز میزنند.

اکنون این بحران دامن صنایع نفت و پتروشیمی را هم بمثابه شریانهای حیاتی رژیم دربر گرفته است و کار بجائی رسیده است که حتی از پرداخت بقوق و دستمزد کارگران این بخشها نیز عاجز شده اند. در نتیجه کارگران پالایشگاههای آبادان، پارسین و قشم همراه با کارگران شرکت پتروشیمی لامرد و کارگران دو فاز پارس جنوبی روز شنبه در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد و مزایای خود بصورت هماهنگ دست به اعتصاب و تجمع و تظاهرات زدند و اعلام کرده اند که تا تحقق خواست ها و مطالباتشان به اعتصاب و اعتراض ادامه خواهند داد. این اعتصاب در حالی شروع شده است که اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه وارد پنجاهمین روز خود شده است و هنوز به مطالبات و خواسته هایشان پاسخی داده نشده است.

طی دوده این اولین اعتصاب هماهنگ این بخش از صنایع نفت و پتروشیمی محسوب میشود که از موقعیت حساسی برخوردار است. هر چند که بخش اعظم این اعتصابیون را کارگران پیمانکاریها تشکیل میدهند که تاکنون با قراردادهای برده گونه این کارگران را استثمار کرده و از آنها بهره کشی نموده اند و اکنون باجیب های پر پول از پرداخت حقوق و دستمزد کارگران خودداری میکنند. اما نباید فراموش کرد که این شتر، دیرویا زود، در خانه کارگران رسمی شرکت نفت و پتروشیمی نیز خواهد خوابید و آنها اگر امروز از اعتصاب خواسته های همکاران و هم طبقه ای های خود پشتیبانی نکنند، فردا مجبور به پرداخت هزینه بیشتر خواهند شد و از این رو ما ضمن پشتیبانی از اعتصابات کارگران نفت و پتروشیمی از همه کارگران رسمی این صنایع نیز دعوت میکنیم دست از کار کشیده و به این اعتصابات بپیوندند و از همکاران خود پشتیبانی بکنند.

اکنون در شرایطی قرار داریم که کارگران باید متحد شوند و از مبارزات و خواست ها و مطالبات همدیگر پشتیبانی بکنند و به سرمایه داران و دولت اجازه ندهند تا میان آنها اختلاف و جدائی افکنند و در انفراد اعتصابات کارگری، اهداف ضد کارگری خود را پیش ببرند. حمایت از اعتصابات و مبارزات کارگران و اعلام همبستگی با آنان وظیفه همه کارگران و زحمتکشانی است که خواهان جامعه ای عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب هستند.

پیروزی اتحاد و مبارزه کارگران اعتصابی صنایع نفت ، پتروشیمی ، نیشکر هفت تپه ...

شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

دوازدهم مردادماه 99

نشریه راه سرخ ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست . راه

سرخ صدای کارگران و زحمتکشان و تمامی کسانی است که به مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نفی هرگونه استثمار و کارمزدی باور داشته و در این راه از هیچ چیز دریغ نمی نمایند. از طریق ایمیل ادرس :

Rah_sorkh@yahoo.com

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با دست اندرکاران نشریه در میان بگذارید .



درباره جهتمندی خرد

حمید پویا



ادامه از صفحه اول

... دیده میشود که در واقع دریافتن و پی بردن ماحصل فعالیت عقل است اما خود فعالیت عقل عبارتست از فکر کردن منطقی یا استدلال کردن منطقی معینی هست. بعلاوه ابداع دومین مشخصه نتیجه فعالیت عقل میباشد که در حوزه امور اجتماعی (در وسیع ترین مفهوم که همه انواع امور اجتماعی و انسانی را دربرمیگیرد) جنبه و نقش بسیار بزرگی دارد و در عین حال جزئی پیرو دریافتن و پی بردن میباشد؛ ولی در قلمروی علوم طبیعی و تکنولوژی های مربوطه جنبه و نقش عمده تری پیدا میکند.

در اینجا: "منطقی" بمعنای مستدل منطبق با یا منعکس کننده امر عینی، عینیت است. پس "منطقی" بمعنای منطبق بودن با عینیت در زمینه استدلال یا تفکر است. چنین است یک خصلت عمومی منطوق و منطوقی؛ این خصلت در مورد ذهنیات در شکل عینی اشان یعنی در نمود و تظاهر عینی اشان بصورت رفتار و عمل صدق میکند.

بنابراین تفکر منطقی بمفهوم اندیشیدن به شیوه ایست که امور را بطور عینی پس بطور صحیح درک کند یا دریابد. آنچه که اینگونه اندیشیده میشود و حصول میگردد میتواند نوع معینی اندیشه یا ایده باشد که وقوف یا آگاهی محسوب میشود. این نوع شناخت البته همچنین میتواند از طریق آموختن مستقیم که میتوان آن را نیز شکل معینی از تفکر محسوب نمود برای شخص بدست آید. تفکر منطقی همچنین ممکن است به ابداع یک چیز فکری (یک ایده یا طرح) یا یک چیز عینی منتهی گردد.

آنچه را که تا کنون درباره عقل گفته شد عمدتاً مربوط به عقل مجرد جدا از گرایشات انسانی و اجتماعی و لذا ایدئولوژیک آن در زمینه روابط بین انسانها و بین انسانها و غیرانسانهای ذیحیات و بین خود اینها میباشد. این خرد یا عقل مجرد یک ساختار یا بافت دقیقاً مشابه هوش منطقی-ریاضی دارد و درجه توانایی اش در دریافتن و کشف کردن و ابداع نمودن دقیقاً بیانگر بهره یا ضریب این نوع هوش است. خرد مجرد تنها در حوزه های معینی از مطالعات مربوط به علوم طبیعی و تکنولوژی بکار میرود؛ و در این حوزه ها

معمولاً در شکل فعالیت اش بمثابه "تفکر منطقی" در نظر گرفته میشود. در حوزه های دیگری از علوم طبیعی و تکنولوژی که هوش دیداری-فضائی و تفکر مربوطه بکاربرده میشود، این هوش و تفکر در عین حال با خرد مجرد سنجیده شده و تحت هدایت این خرد قرار میگیرد. و اینچنین است در مورد هوش زبانی-کلامی و هوش ریتمی-موسیقایی در حیطه های علوم انسانی و امور اجتماعی در وسیع ترین مفهوم که فوقاً به آن اشاره شد.

اما، همانطور که در فوق اشاره شد، تا آنجا که به حوزه روابط مزبور مربوط میشود، خرد در عین حال گرایشمند یا جهتمند بوده و لذا جنبه ایدئولوژیک دارد. زیرا عقل در عین حال بطور ارگانیک و عمیقاً از عقاید تشکیل شده است؛ و عقیده نوعی شناخت است که بطور ارگانیک با باورمندی پیوندخورده و بنابراین جهتگیری ایدئولوژیک دارد. از سوی دیگر عقیده بازتاب تمایل اخلاقی در سطح اندیشه هست، از اندیشه مبتنی بر خصلت اخلاقی تشکیل شده است (برای توضیح بیشتر رجوع شود به "رابطه عقیده با اخلاق" در کتاب فوق الذکر). واضح است که اخلاق جزئی از ایدئولوژی بوده و جنبه ایدئولوژیک دارد. بدین طریق نیز ثابت میشود که عقیده و در نتیجه خرد در عین حال حاوی جهتگیری انسانی و اجتماعی و لذا ایدئولوژیک میباشد.

اخلاق و عقیده خصیصه های ذهنی نسبتاً پایداری هستند که بر اساس اقتضاء جایگاه اجتماعی معین مادی و عینی (و قبل از همه و بنیاداً جایگاه اقتصادی) افراد بوجود میآیند، و امکاناً به طرق گوناگون از قبیل آموزش و تربیت کودکان و تلقین و ترویج و تبلیغ برای بزرگسالان و غیره در میان مردم گسترده گشته و در اذهان آنان جایگیر میشوند. جایگاههای اجتماعی را باید هم در مقیاس های بسیار بزرگ مانند جایگاههای طبقاتی کلی در جامعه طبقاتی مثلاً جایگاه اجتماعی عمومی طبقه کارگر شامل کلیه گروههای مختلف کارگران، و هم در مقیاس های کوچکتر و کوچک و بالاخره فردی مثلاً قشرهای معین مختلف طبقه متوسط و امکاناً جایگاههای معین مختلف فردی در هر یک از این اقسام در نظر گرفت.

بنابر این، فی المثل در مورد طبقه کارگر، در رابطه با ایجاد اخلاق و عقیده نزد اعضاء این طبقه، پیش از همه بایستی خصایص اخلاقی و فکری ایجاد شونده در سطح کل طبقه اجتماعی را مدنظر قرارداد؛ و سپس خصائص امکاناً ظاهر شونده در داخل هر گروه شغلی این طبقه و در جایگاههای فردی مختلف در هر گروه را مورد توجه قرارداد و غیره. همچنین باید به این واقعیت توجه داشت که خصایص اخلاقی و عقیدتی مختلف بسیاری که در جایگاههای طبقاتی دیگر بوجود میآیند ممکن است بطرق گوناگون به درون طبقه کارگر رسوخ کرده و در میان کارگران پخش شده و در اذهان آنان جایگیر گردد. لذا ما در عین حال تا اندازه ای بسته به شرایط معین اجتماعی با اخلاق ها و عقاید مختلف در میان گروههای مختلف کارگران و کارگران مواجه هستیم. این حقیقت در مورد هر طبقه اجتماعی دیگر در جامعه بورژوازی اساساً صدق مینماید.

پس خرد یا عقل، که در عین حال از عقاید و بنیادی تر از خصایص اخلاقی تشکیل میآید، در عین حال عمیقاً دارای گرایش ایدئولوژیک و ایدئولوژیک است. و لذا در نزد اعضاء هر طبقه اجتماعی مثلاً پرولتاریا در جامعه بورژوازی نوعی یکسان و امکاناً در عین حال انواع بسیار مختلف از خرد وجود دارد: ایدئولوژیک و البته بلحاظ توانایی دریافت و اکتشاف و ابداع که هم به کارکردهای ایدئولوژیک عقل و هم به بهره و ضریب هوش منطقی-ریاضی افراد بستگی میآید. و اینها در اساس خود در مورد هر جامعه طبقاتی دیگر صدق میکند.

بنابر این آگاهی، بمثابه محصول معین تعقل، فعالیت عقل، استدلال یا تفکر منطقی، نزد افراد مختلف، بسته به مکان اجتماعی کلی و جزئی آنان مثلاً جایگاه طبقاتی کلی و جزئی در جامعه بورژوازی، نیز بسته به اینکه تا چه



اندازه این افراد تحت تأثیر آگاهی ها ، خصایص اخلاقی و عقیدتی، ایدئولوژی های اشخاصی با مکان های اجتماعی، جایگاههای طبقاتی، ایدئولوژی های دیگر، یا به بیان دقیق تر تحت تأثیر چنین آگاهی ها و خصائص و ایدئولوژی های منبعث از جایگاههایی غیر از جایگاههای خودشان باشند، دارای یک نوع اصلی واحد و در عین حال امکاناً انواع فرعی مختلف گرایش ایدئولوژیک میباشند.

بنابراین : این واضحا صحیح است که شخص در مورد هر امر (اجتماعی یا خصوصی) معین معمولاً بایستی عقل خود و آگاهی خود (بعنوان حاصل هم استدلال منطقی و هم یادگیری مستقیم) را بکار اندازد و اینها را راهنمای تمایلات احساسی و اخلاقی خویش و رفتارها و اعمال خویش قرار دهد، اما از سوی دیگر خرد شخص خود بنیاداً توسط گرایشات اخلاقی متعلق به خود او یا اشخاص معین دیگری که آن خرد را از آنها گرفته است تعیین میابد. و بنابراین عقل داریم تا عقل: بطور اختصار عقل کارگری یا عقل خرده بورژوازی یا عقل بورژوازی و غیره و از لحاظ امر چگونگی نگرش و برخورد نسبت به مولفه های طبیعت که هم متناسباً در آنها مستتر و هم عنصر جداگانه و خاصی محسوب میشود، در اشکال و درجات مختلف و از این قبیل: عقل صحیح انسانی یا عقل ناصحیح نا انسانی، عقل صحیح علمی یا عقل ناصحیح غیر علمی، عقل انقلابی گریانه یا عقل محافظه کار گریانه، عقل دارای گرایش قوی اجتماعی و انسانیت گریانه یا عقل خود بینانه و خود پرستانه و غیره و غیره. و اینها طبعاً در مورد آگاهی نیز صدق مینماید.

بنابراین وضعیت آگاهی طبقاتی کارگران در هر جامعه بورژوازی را میتوان چنین توضیح داده و بیان نمود :

کارگران آگاهی طبقاتی خود را تا سطح ابتدائی پایین معینی بطور خودبخودی از چگونگی جایگاه اجتماعی، طبقاتی یعنی جایگاه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خودشان نسبت به سایر طبقات و گروههای اجتماعی در جامعه، از شرایط کار و شرایط زندگی اشان و مبارزات و فعالیت های مبارزاتی اشان علیه سرمایه بدست میاورند. رشد و تکامل بعدی آگاهی طبقاتی اشان اساساً و کاملاً بستگی به این دارد که تا چه اندازه و تا چه حدی آنان به منابع ارائه دهنده ایده ها، تئوری ها و نظرات حقیقتاً طبقاتی کارگری، واقعاً کمونیستی دسترسی پیدا نموده و از این منابع استفاده

نمایند، چنین مطالبی را بخوانند و بشنوند و درباره اشان بحث نموده و بیندیشند و غیره. چنین منابعی بطور اختصار از طریق فعالیتهای کافی ترویجی و تبلیغی و سازماندهی کمونیست های واقعی (پیشروان حقیقتاً انقلابی و بلحاظ علمی درست اندیش پرولتاریا) برای و در میان توده های کارگران از یکسو و آمادگی و توانائی و تمایل این توده ها جهت پذیرفتن و جذب کردن حاصل چنین فعالیتهای از سوی دیگر فراهم و مورد استفاده واقع میشوند. بطور کلی متناسب با میزان کمبود چنین فعالیت های کمونیستها و عدم پذیرایی کارگران (بهر دلایلی که باشد)، ما با عقب ماندگی اخلاقی و فکری توده های کارگران و انقیاد فکری و سیاسی آنان توسط طبقات بورژوا مواجه هستیم، مطلبی که همچنین بطور همه جانبه با چنین جریانی بدین شرح پیوند دارد : در جامعه بورژوازی کارگران در عین حال بانحاء گوناگون و شدیداً و از زمان کودکی در معرض هجوم انواع گوناگون ایده ها و افکار و گرایشهای بورژوائی و غیرکارگری ای قرار دارند که ممکن است قویاً در اذهان آنان رسوخ نموده و جایگیر شوند و این امر مثلاً در دوران حاضر بطور کلی تا میزان زیادی در سراسر جهان تحقق پیدا کرده است و غیره و غیره. از آنچه تا کنون بیان شد- بنظر من - نتیجه میشود که در دوران کنونی مهمترین وظیفه بلحاظ تاریخی درازمدت کمونیست ها معمولاً (یعنی باستثناء مقاطع زمانی معین خاصی) عبارتست از ترویج و تبلیغ ایده های حقیقتاً کمونیستی برای و در میان توده های طبقه کارگر و سایر گروههای اجتماعی کاملاً فرودست و بدینگونه همچنین تلاش جهت تدارک شرایط ذهنی موردنیاز برای انقلاب های ضروری واقعاً سوسیالیستی و دموکراتیک آتی.

حمید پویا

6 می 2020

این نوشته ترجمه مقاله ای است با همین عنوان و بزبان انگلیسی که من در روزهای منتهی به تاریخ فوق الذکر آن را نوشته ام و سپس آن را خودم به فارسی برگردانده ام. حمید پویا

**نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع. نظرات و تحلیل های
سازمان. انعکاس دهنده مسائل
سیاسی. اجتماعی. اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر
دیدگاه های مختلف نیز هست.
تحریریه نشریه از میان مطالب
رسیده انتشار مطالبی را انتخاب و
در انوبت قرار خواهد داد که
مستقیماً برای این نشریه ارسال
شده باشند لذا انتظار داریم
انعکاس این مطالب در سایر
نشریات و سایت ها با ذکر منبع و
نام نویسنده صورت گیرد. از
طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات
خود را با در میان بگذارید.
kar@fedayi.org**

**کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونیست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید :**

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدرا تئو شورائی !